

شدند^۱. فقط در تبریز - که در آن زمان بزرگ‌ترین شهر ایران بود - در ۱۸۴۶م / [۱۲۶۲هـ] حداقل شانزده دستگاه چاپخانه کار می‌کرد^۲.

◀ II. رواج چاپ در شبه قاره و آغاز چاپ آثار فارسی

وضع در شبه قاره^۳، در مقایسه با عثمانی و مصر و ایران، متفاوت بود. اگر چه برخورد مسلمانان شبه قاره [با پدیده‌های جدید غرب] چندان تفاوتی با برخورد سایر ملت‌های جهان اسلام نداشت، بازهم آنان مفید بودن اختراعات غرب را انکار نمی‌کردند. چنان‌که وقتی مبلغان ژزویت (Jesuits) به جهانگیر پادشاه (حک: ۲۷-۱۶۰۵م / [۳۷-۱۰۱۴هـ]) نسخه‌ای از انجیل چاپ ایتالیا عرضه داشتند، او با آنان درباره امکانات ریختگی حروف نستعلیق صحبت کرد^۴. بر عکس آن، وقتی در ۱۶۵۱م / [۱۰۶۰هـ] کتابی چاپی به زبان عربی به

1. E. G. Brown, *The Press and Poetry in Modern Persia*, p. 8.

2. Abbas Amanat, *Pivot of the Universe: Nasir al-Din Shah Qajar and the Iranian Monarchy, 1831-1896*, London, 1997, p. 75.

۳. یادداشت مترجم: در اصل نویسنده محترم مقاله اصطلاح «آسیای جنوبی» را به کار برده است با این توضیح: «از نظر مفهوم جغرافیایی "آسیای جنوبی" فقط شامل هندوستان نیست، بلکه کشورهای پاکستان، بنگلادش، نپال، بوتان، سیکم، سری لانکا و جزائر مالدیو حتی برمه [میانمار امروزی] و افغانستان نیز شامل این محدوده می‌شوند. در دوران اسلامی و بریتانیایی، این اصطلاح به مفهوم محدودتری و به "شبه قاره" یا "قاره عظیم" تبدیل شده است. چون گفتار ما مربوط به دوران بریتانیایی است، منظور ما در این جا از "آسیای جنوبی" شبه قاره هند است که تا پاکستان و بنگلادش گسترش دارد». در حین ترجمه با کسب اجازه از نویسنده این اصطلاح به «شبه قاره» تبدیل شده است، مگر این‌که در مفهوم واقعی آسیای جنوبی به کار رفته باشد.

4. E. Maclagan, *The Jesuits and the Great Mogul*, London, 1932, p. 211-215.

سعدالله خان (د: ۱۶۵۶م / [۱۰۶۶هـ]) وزیر اعظم شاهجهان (۵۷-۱۶۲۸م / [۶۸-۱۰۳۷هـ]) اهدا گردید، او از پذیرفتن آن خودداری کرد^۱ که ناشی از برخورد منفی نسبت به صنعت چاپ بود. با وجود آغاز صنعت چاپ در شبه قاره، تا دو سه دهه، در میان علاقه‌مندان خطوط نستعلیق و نسخ، تمایل به اختیار نمودن چاپ ریشه نگرفت و تا اوایل ق ۱۹م / [۱۳هـ] - صرف نظر از یکی دو مورد استثنا - محور هرگونه فعالیت چاپ در شبه قاره افراد غیر بومی و میسیونری‌ها و کارپردازان شرکت هند شرقی [East India Company] بودند. بعدها در نتیجه تلاش‌های افراد بومی چاپ کتاب به سه زبان عمده فرهنگ اسلامی - عربی، فارسی، اردو - در دهه سوم ق ۱۸م / [۵۲-۱۱۴۲هـ] عمومیت پیدا کرد. اگرچه در این منطقه کار چاپ از ۱۵۵۶م / [۹۶۳هـ] آغاز شده بود^۲.

۱. همان مأخذ، ص ۲۰۹-۲۰۸.

۲. دستگاه نخستین چاپخانه شبه قاره را مبلغان ژزوئیت (Jesuits) پرتغالی در ۱۵۵۶م / [۹۶۳هـ] در گوا، شهر ساحلی جنوب هند، در دانشکده سنت پال (St. Paul College) که متعلق به خودشان بود، نصب کردند. در آنجا از اکتبر ۱۵۵۶ تا ۱۵۸۱م / [۹۸۹-۹۶۳هـ] ده عنوان کتاب به طبع رسید که از آن میان دو عنوان به زبان‌های بومی یعنی تامیل و کونکنی بود. نک:

Graham Shaw, *The South Asia and Burma Retrospective Bibliography (SABREB)*, Stage 1: (1556-1800), London, 1987, p. 5.

در این کتاب شناسی کتاب‌هایی که در چاپخانه‌های محلی به طبع رسیده‌اند، به ترتیب سال چاپ ثبت شده‌اند. مؤلف در مقدمه آن اطلاعاتی جامع درباره چاپخانه‌های منطقه ارائه داده است. برای تاریخچه چاپخانه در شبه قاره کتاب‌های زیر نیز مفید است:

Graham Shaw, *Printing in Calcutta to 1800*, London, 1981, B. S. Kasavan, *History of Printing and Publishing in India*, 2 vols, Delhi, 1985-1988; A. K.

اما تا آن موقع نمونه‌های گسترده‌ی چاپ از کتاب‌ها به زبان‌های سه‌گانه مذکور منحصر به کتاب‌های چاپ اروپا بود.^۱

در چاپخانه‌های محلی شبه قاره نمونه‌های چاپ به زبان‌های بومی فقط به چند عبارت یا کلمه محدود می‌شد که گاهی در کتاب‌های به زبان‌های غیر بومی وارد می‌شد.^۲ در مناطق تحت حکومت بریتانیا، آغاز و رواج چاپ کند بود.

→

Priolker, *The Printing Press in India*, Bombay, 1958; Katherine Diehl, *Early India Imprints*, New York, 1964.

۱. برای اطلاعات بیشتر نک:

Rijk Smilskamp, *Philologia Orientalio: A Discription of Book Illustration, the Study of Printing of Oriental Languages in the 18th and 19th cenutry Europe*, Leiden 1992; P. Deschamps, *L'Imprimerie Hors L'Europe*, Paris, second edition, 1964; A. M. Piemontese, *Bibliografia Italiana Della Iran 1462-1982*, Naples, 1982; Nazir Ahmad, *Oriental Presses in the World*, Lohore, 1985;

سليم الدين قريشى، اٹھارويں صدی کی اردو مطبوعات، اسلام آباد، ۱۹۹۳ م.
 ۲. به طور مثال روی جلد کتابی تامیلی با عنوان: *Dialogvs Inter Moslimvm Et Christianvm...*، تألیف C. T. Walther، که در ۲۷ دسامبر ۱۷۲۷ م / [۱۱۴۰ هـ] در ترانکوپار چاپ شده، ترجمه عربی آیه‌ای از انجیل: «الاله واحد وسيط الله و الناس واحد الانسان يسوع المسيح ۵» با استفاده از کلیشه چوبی چاپ شده است. نک: Graham Shaw, *SABREB*، ص ۶۱. کتاب مذکور تامیلی زبان در سال‌های ۱۷۴۰ م و ۱۷۵۳ م نیز تجدید چاپ شده است. نیز: نک: سليم الدين قريشى، همان مأخذ، ص ۱۲. در یکی از چاپخانه‌های بمبئی - که یکی از پارسیان به نام رستم جی کیشا پاتھی در ۱۷۷۷ م / [۱۱۹۱ هـ] بنیاد گذارده بود، روزنامه انگلیسی زبان *Bombay Courier* چاپ می‌شد. در این روزنامه آگهی‌ها، علاوه بر زبان‌های محلی، به زبان اردو نیز منتشر می‌شد، نک: J. Natrajan, *History of Indian Journalism*، دهلی نو، چاپ دوم، ۱۹۹۷ م، ص ۶۹.

انگلیسی‌ها در ۱۷۶۱م / [۷۵-۱۷۴هـ] فرانسوی‌ها را در پانندی چری شکست دادند و نخستین دستگاه چاپ را به غنیمت گرفتند. بعدها همان دستگاه در مدراس هند نصب شد و برای طبع احکام رسمی شرکت هند شرقی و تقویم‌ها مورد استفاده قرار گرفت.^۱ اما ادامه چاپ فارسی یا طبع کتاب‌های مستقل و کامل فارسی زمانی ممکن شد که چاپخانه‌هایی در کلکته دایر گردید و هر چاپخانه بنا بر مقتضیات و مصالح خود امکانات فنی چاپ کتاب‌های فارسی (و اردو) را فراهم آورد.^۲

هنوز صنعت چاپ در آسیای جنوبی / شبه قاره از حمایت دولتی برخوردار نبود. در تاریخ ۲۰۰ ساله چاپخانه تمام فعالیت‌های چاپ از آن چاپخانه‌هایی بوده که برای تکمیل اهداف مبلغان مسیحی دایر بودند. شمار محدودی چاپخانه در اوقات مختلف جنبه تجاری نیز داشتند. چاپخانه‌هایی که میسیونری‌ها دایر کرده بودند در نقاط مسیحی‌نشین فعالیت داشتند و موضوعات مطبوعات آن‌ها مربوط به اهدافشان بود. فقط گاهی کتاب‌های غیر دینی و غیر تبلیغاتی در موضوع‌های پزشکی و جغرافیا و تاریخ به طبع می‌رسید که اکثراً به زبان کشور

۱. در باره آغاز چاپخانه‌هایی در کلکته و تاریخچه فعالیت‌های آن‌ها علاوه بر منابعی که در پانویس ۴ صفحه پیش ذکر شد، به این منابع نیز رجوع شود:

S. Sen, "Early Printers and Publishers in Calcutta", *Bengal Past and Present*, No. 87, 1968, p. 59-66; S. B. Chowdhry, "Early English Printers and Publisher", *Ibid*, p. 67-77, P. T. Nair, *A History of the Calcutta Press*, Calcutta, 1987.

2. Susan S. Wadley, "Introduction", *Media and the Transformation of Religion in South Asia*, edited by Susan S. Wadley and Lawrence A. Bob, Philadelphia, 1995, p. 21.

متبوع صاحب چاپخانه بود. اگر چه چاپخانه‌های مذکور چاپ کتاب‌هایی به زبان‌های بومی و تقویم‌ها را نیز شروع کردند، اما چاپ تاییبی نسخ یا نستعلیق موقعی تسلسل پیدا کرد که در کلکته چاپخانه‌هایی دایر گردید. اینک این شهر تحت حکومت ابر قدرت متجدد غرب یعنی بریتانیای کبیر درآمده بود و در نیمه دوم ق ۱۸م / [۱۲هـ] در آسیای جنوبی / شبه قاره تبدیل به مرکزی شد که عده‌ای چشمگیر از نوگرایان و آشنا با افکار و ابداعات جدید اروپا در آن جا گرد هم آمده بودند. با تلاش برخی از آنان امکانات فنی چاپ متحرک حروفی به رسم الخط زبان‌های بومی فراهم شد. دولت بریتانیا در تأسیس چاپخانه‌ها در کلکته و فعالیت آن‌ها حمایتی از خود نشان نداده بود و مبلغان مسیحی نیز که تجربیات طولانی در چاپ در این سرزمین را داشتند، در مراحل ابتدایی چاپ در کلکته عملاً از آن شهر دور بودند و پس از دو دهه آغاز فعالیت چاپ در کلکته، میسیونری‌ها بدان جا رفتند یا اجازه فعالیت را در آن حوزه یافتند.^۱ تا آن موقع تأسیس چاپخانه‌ها و اهتمام چاپ [کتب عمومی] و طبع کتب زبان‌های بومی تماماً منحصر به تلاش افراد بود [نه دولت].

در همان ایام بریتانیا، نواب سراج الدوله (۵۷-۱۷۳۳م / [۷۰-۱۱۴۶هـ]) فرمانروای مستقل و خودگردان بنگال را در نبرد پلاسی (۱۷۵۷م / [۱۱۷۰هـ]) شکست داد و بنگال را تحت تصرف خود درآورد. این پیروزی مقدمه قدرت و حکومت تمام عیار بریتانیا در سراسر آسیای جنوبی شد. اکنون بریتانیا سرزمینی وسیع پیش رو داشت و برای برقراری و پایداری اقتدار خود

۱. برای اطلاعات بیشتر نک: B. S. Kasavan, ج ۱، ص ۱۹۱-۱۸۹، Nazir Ahmad.

می‌دانست که از چه نوع وسایل و اختراعات جدید اروپایی استفاده کند. در آن موقع بعد از سلاح و ابزارهای جنگی، در واقع فقط وسیله چاپ بود که اهداف او را پیش بُرد. این در حالی بود که در ابتدا شرکت هند شرقی و طراحان سیاست آن قصد آن‌را نداشتند تا شهروندان غلام خود را از فواید و مزایای چاپخانه بهره‌ور سازند و یا به دست افراد هم‌نژاد خود ابزاری را بدهند که وسیله ابلاغ نقد و ایراد بر آنان بشود. حقیقت این است که دولت بریتانیا در خود بریتانیا هم به چاپخانه‌ها نظر خوشی نداشت و سعی می‌کرد فعالیت مطبعی را محدود سازد.^۱ چنان‌چه در آسیای جنوبی تا مدتی پس از تأسیس چاپخانه‌های خصوصی، دولت بریتانیا هیچ چاپخانه دولتی را برای تکمیل نیازهای خود دایر نکرد و به عمّال خود نیز اجازه نداد که در حین اشتغال در شرکت، چاپخانه‌ای را تأسیس کنند یا با چاپخانه و نشریه‌ای ارتباط برقرار کنند.^۲ به همین خاطر دولت بریتانیا تمام نیازهای اداری خود مربوط به چاپ را از طریق چاپخانه‌های خصوصی تأمین می‌کرد.^۳ پس از افتادن بنگال به دست انگلیسی‌ها، مدیریت شرکت هند شرقی به وارن هستنگس (Warren Hastings) محول گردید که شخصی کاردان و لایق بود. او در دوران مدیریت خود در بنگال (۸۵-۱۷۷۲م / [۹۹-۱۱۸۶هـ])

1. Percival Griffiths, *The British Impact on India*, London, 1952, p. 265.

۲. این بر خورده را می‌توان در گزارش لُرد ویلیام بنتینک (William Bentinck) *Correspondence of Lord* (۱۸۳۹-۱۷۷۴م) مورخ ۶ ژانویه ۱۸۲۹م مشاهده کرد که در *William Bentinck* ج ۱، آکسفورد، ۱۹۷۷م، ص ۱۴۰-۱۳۵ چاپ شده است.

۳. دولت بریتانیای هند از چاپخانه‌هایی در مدراس، بمبئی و کلکته استفاده می‌کرد که نام آن‌ها در *SABREB*، تألیف Graham Shaw آمده است. مثلاً برای چاپخانه‌های مدراس، ص ۹؛ برای بمبئی، ص ۱۰، برای کلکته، ص ۱۱-۱۰.

نه تنها از فعاليت‌های فرهنگي و ادبي خاورشناسان کوشاي بنگال حمايت کرد، بلکه در ۱۷۸۱م / [۱۱۹۵هـ] براي تاسيس مدرسه عاليه کلکته نيز همکاري کرد و بدین گونه در ۱۷۸۴م / [۱۱۹۸هـ] زمينه تاسيس انجمن آسيابي بنگال را فراهم آورد.^۱ سياست‌های تشويق آميز او باعث شد که نه تنها پژوهش‌هایی در علوم شرقي انجام شود، بلکه اين پژوهش‌ها به حليه طبع نيز آراسته گردد. در دوران مديريت او نامدارترين خاورشناس وقت ويليام جونز (William Jones) (۱۷۴۶-۹۴م) در ۱۷۸۳م / [۱۱۹۷هـ] به کلکته رفت و در نتيجه تلاش‌های او انجمن آسيابي بنگال تاسيس گرديد که بعدها به یک مجمع بزرگ مستشرقان و مرکز فعاليت‌های ادبي و تحقيقي تبديل شد. ويليام جونز و همکاران او به مطالعات فارسي، ترجمه متون، دستور زبان و فرهنگ‌نويسي عنایت ویژه‌ای

۱. براي همکاري هستنگس در تاسيس مدرسه عاليه، کلکته رجوع شود به: *Memoirs of Warren Hastings*, ed. by George R. Gleig, ج ۳، لندن، ۱۸۴۱م، ص ۱۵۹، و نيز گزارش هستنگس مورخ ۱۷ آوريل ۱۷۸۱م در *Selections From the Educational Records, Part I, 1781-1839*، تأليف H. Sharp، کلکته، ۱۹۲۰م، ص ۸. شرح تشويق و ترغيب‌های او به پژوهش‌های علوم شرقي و ترجمه‌ها در منابع متعدد مربوطه ذکر شده است. براي بررسي جامع اين موضوع رجوع شود به:

O. P. Kejariwal, *The Asiatic Society of Bengal and the India's Past, 1784-1838*, Oxford and Dehli, 1988, p. 20-24.

تشويق و ترغيب او زمينه‌ای را براي تاسيس انجمن آسيابي بنگال هموار ساخت. براي زمينه تاسيس و فعاليت‌های انجمن نک: همان مأخذ و نيز:

David Kopf, *British Orientalism and the Bengal Renaissance: The Dynamics of Indian Modernization 1773-1835*, Berkeley, 1969; S. N. Mukherjee, *Sir William Jones: A Study in Eighteenth Century British Attitudes to India*, Cambridge, 1968.

داشتند.^۱

برای تمام ملت‌های اروپایی - که به هر منظوری به شبه قاره رفتند - آموزش زبان فارسی اجتناب‌ناپذیر بود. آنان پی برده بودند که فارسی در آن سرزمین وسیع چه نقش مهمی دارد. زبان فارسی وسیله‌ای مؤثر و موفقیت‌آمیز برای برقراری ارتباط و ابلاغ به عمال و مقامات دولتی به شمار می‌رفت. کافی نبود که نوواردان زبان فارسی را فقط برای اظهار ما فی الضمیر یاد بگیرند، بلکه لازم بود تا حدی مهارت به دست آورند که بتوانند مکاتبات دولتی و سفارتی را به این زبان انجام دهند و مسایل و مقررات حقوقی سطح بالاتری را درک کنند. تأمین چنین نیازی برای برخی عمال انگلیسی که به کار تألیف و نگارش علاقه داشتند، موجب شد که آنان علاوه بر تهیه کتاب‌های دستور و فرهنگ‌ها، ترجمه‌های متون ادبی و تاریخی فارسی را نیز انجام دهند.^۲ پس از پیروزی جنگ پلاسی، انگلیسی‌ها به اقتضای مصالح سیاسی، نیاز هرچه بیشتر به فراگیری زبان فارسی پیدا کردند، زیرا آنان نمی‌خواستند در همه امور دولتی از

۱. برای فارسی‌دانی جونز و تتبعات او در زبان و ادب فارسی به این آثار گارلاند کانن (Garland Cannon)، نک:

Oriental Jones, Bombay, 1964; *Sir William Jones, An Annotated Bibliography of his Work*, Honolulu 1952; "Sir William Jones and Persian Linguistics", *Journal of the American Oriental Society*, 1958, p. 262-273.

۲. علاقه ویژه افسران انگلیسی در هند به فارسی در آثار متعدد بررسی شده است. جامع‌ترین آن‌ها به شرح زیر است: Bernard S. Cohn, *Colonialism and its form of knowledge*, پرینستن، ۱۹۹۶م، ص ۱۷-۲۲ و ما بعد؛ سید عبدالله، «زبان فارسی و شرکت هند شرقی»، ترجمه انجم حمید، دانش، اسلام‌آباد، ش ۵۰ (۱۹۹۷م)، ص ۱۷۶-۱۶۱.

افراد بومی کمک بگیرند و به آنان اعتماد کنند. لذا خاورشناسان به تدوین کتب متعدد دستور زبان و فرهنگ پرداختند و نیازهای همه جانبه، زمینه‌ای برای تأسیس دانشکده فورت ویلیام (Fort William College) فراهم ساخت که بالاخره در ۱۸۰۰م / [۱۵-۱۲۱۴هـ] تأسیس شد.^۱ انگلیسی‌ها پیش از آن با تأسیس مدرسه عالی (کلکته) قدمی در راه شناخت مقررات شرعی و قوانین رایج وقت مسلمانان برداشته بودند و اینک کالج فورت ویلیام را بنا نهادند تا خود را به سلاح زبان‌های بومی مجهز کنند. هر دو آموزشگاه [مدرسه و کالج] برای آنان فواید گوناگون به بار آورد. آشنایی با مقررات رایج از نیازهای مبرم وقت بود. چارلز همیلتون (Charles Hámilton) کتاب فقهی حنفی هدایه (عربی) تألیف برهان‌الدین علی مرغینانی را از روی ترجمه فارسی غلام یحیی به انگلیسی ترجمه کرد. حمایت و تشویق انگلیسی‌ها از این‌گونه ترجمه‌ها، اقتضای آن زمان بود.^۲ وارن هستنگس قبل از عزیمت به هندوستان، در دانشگاه آکسفورد زمامدار جنبشی در طرفداری از زبان فارسی بود.^۳ اگرچه او قبل از تأسیس دانشکده فورت ویلیام، هند را ترک گفته بود، اما او سخت حامی ترجیح و اهمیت دادن به زبان‌های فارسی و عربی در برنامه درسی دانشکده

۱. آثار متعددی درباره تاریخچه تأسیس دانشکده فورت ویلیام و فعالیت‌های آن تألیف شده است. جامع‌ترین و تازه‌ترین آن‌ها به این شرح زیر است:

Sisir Kumar Das, *Sahibs and Munshis: An Account of the College of Fort William*, Delhi, 1978; David Kopf, همان مأخذ.

2. Charles Rieu, *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*, London, 1966, vol. 1, p. 23-24.

3. Peter Marshall, "Hastings as Scholar and Patron", *Statements, Scholars and Merchants*, ed. Anne Whiteman, Oxford, 1923, p. 243.

بود^۱. اهمیت و حیثیت زبان فارسی نه تنها کسانی را که به زبان‌شناسی علاقه‌مند بودند و ادار به تألیف کتاب‌های دستور و فرهنگ‌نامه‌ها کرد، بلکه، با توجه به احتیاج‌های روزافزون، به کار گرفتن وسایل چاپ را نیز ترغیب داد. صرف نظر از نمونه‌های ابتدایی چاپ فارسی در شبه قاره - که پیش‌تر مذکور شد - اولین تلاش روشمندان را خاورشناس کاردان چارلز ویلکینس (Charles Wilkins) (۱۸۳۶ - ۱۷۵۰م) کرد. او موفق شد که حروف نستعلیق را به کلیشه تبدیل کند. او از بنیادگذاران چاپ بنگالی نیز هست. وی نه تنها در امور چاپ تخصص داشت بلکه مدیر چاپخانه، خطاط، نقاش، کنده‌کار و حروف تراش نیز بود. او در اواخر ۱۷۷۸م / [۱۱۹۲هـ] ریختگی حروف نستعلیق را با موفقیت انجام داد^۲ و در همان سال کتاب *A Grammar of the Bengali Language* تألیف دوست مستشرق خود Nathaniel Brass Halhed (۱۸۳۰ - ۱۷۵۱م) را در چاپخانه خود به طبع رسانید که نمونه ابتدایی حروف نستعلیق ریخته او نیز هست^۳. نمونه پیشرفته‌تر حروف نستعلیق او در چاپ فرهنگ انگلیسی - فارسی تألیف فرانسیس گلاوین (Francis Gladwin) (۱۸۱۳ - ۱۷۴۰م؟) دیده می‌شود که در

1. W. H. Hutton, "A Letter of Warrgn Hastings on the Civil Service of East India Company", *English Historical Review*, London, 1929, p. 635.
2. از نامه هالهد (Halhed) به هستنگس، مورخ ۱۳ نوامبر ۱۷۷۸م، به دست می‌آید که در چاپخانه برای چاپ بنگالی و انگلیسی تمام وسایل فراهم شده است و امکاناتی برای چاپ فارسی نیز در مرحله تکمیل است. نک: *Home Miscellanious Series*، ش ۲۰۷، و برای اعترافات هستنگس به خدمات چارلز ویلکینس، نک: همان‌جا، ص ۲۰۲-۱۹۵؛ و نیز: *Catalogue of the Home Miscellanious Series of the India Office Records*، لندن، ۱۹۲۷م، ص ۱۳۹.

3. Graham Shaw, *SABREB*, p. 140; P. Deschamps, P. 75.

۱۷۸۰م / [۱۹۴هـ] به اهتمام او در مالدا به چاپ رسید.^۱
 اولین کتاب کامل چاپی فارسی [در شبه قاره] انشای هرکرن تألیف هرکرن ملتانی^۲ است که به اهتمام چارلز ویلکینس در ۱۷۸۱م / [۱۹۵هـ] در کلکته به طبع رسید.^۳ پیش از آن کتابچه‌های فارسی یا عباراتی به حروف نستعلیق که در کلکته و اطراف آن چاپ می‌شد، از نوعی دیگر بودند. این‌ها معمولاً حکم‌نامه‌هایی بوده که شرکت هند شرقی برای مناطق تحت تسلط خود به زبان انگلیسی چاپ می‌کرد و ترجمه فارسی نیز همراه یا مستقلاً طبع می‌شد.^۴ این

۱. نام این فرهنگ *A Compendious Vocabulary English and Persian* است. نک: Graham Shaw, *SABREB*؛ ص ۱۴۶، بر روی جلد این فرهنگ اشعار فارسی چاپ شده است. برای عکس روی جلد نک: Nair، ص ۱۸.

۲. هرکرن ملتانی فرزند متهراداس کنبو ملتانی. در عصر جهانگیر (۳۷-۱۴-۱۰۱۴هـ / ۲۷-۱۶۰۵م) منشی اعتبار خان بود. جهانگیر در ۱۰۳۲هـ / ۱۶۲۲م اعتبار خان را صوبه دار اکبرآباد منصوب کرد. نک: تزک جهانگیری، به اهتمام سید احمد خان، غازی پور، ۱۸۶۴م، ص ۱۰۶، ۱۱۵ و صفحات دیگر. پس از درگذشت اعتبار خان، هرکرن از اکبرآباد به سوی ملتان رفت و ظاهراً در راه در میان سال‌های ۴۰-۳۴-۱۰۳۴هـ / ۳۱-۲۵-۱۶۲۵م انشای هرکرن را تألیف کرد، نک: مقاله بزمی انصاری در *Encyclopaedia of Islam*، ویرایش دوم، چاپ لیدن، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۲۶-۲۲۵؛ سید عبداللّه، ادبیات فارسی مین هندوون کا حصّه، دهلی، ۱۹۴۲م، ص ۷۲. انشای هرکرن در سال‌های بعد در ۱۸۳۱م و در ۱۸۶۹م در لاهور چاپ سنگی نیز شده است.

۳. Graham Shaw, *SABREB*، ص ۱۵۰ و *Printing in Calcutta to* 1800، ص ۷۹؛ *India Gazette*، چاپ کلکته، در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۷۸۱م آگهی داده که انشای هرکرن برای توزیع آماده است. [برای چاپ‌های انشای هرکرن، نک: عارف نوشاهی، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ش ۵۶۵۴].

۴. مثلاً حکم‌نامه مورخ ۱۱ آوریل ۱۷۸۰م (نک: Graham Shaw, *SABREB*، ص ۱۴۳)؛

سنت به تدریج ریشه‌دار شد.^۱ علاوه بر حکم‌نامه‌ها، در کتب دستور و فرهنگ‌نامه‌ها نیز قرار دادن الفاظ یا عبارات فارسی به حروف نستعلیق عمومیت پیدا کرد. تا آن زمان معمولاً کتاب‌هایی از نوع تقویم‌ها، فهرست‌ها، فرمان‌های دولتی، حکم‌نامه‌ها، نقشه‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، واژه‌نامه‌ها، دستورنامه‌های زبان، ترجمه‌های ادبی، سفرنامه‌ها، سرگذشت‌نامه‌ها در موضوعات تاریخی، ریاضی، علم‌الادویه و جغرافیا و غیره چاپ می‌شد. چاپ انشای هرکرن نمونه خوبی از حروف نستعلیق ریخته ویلکینس بود. فرانسیس بالفور (Francis Balfour) مصحح و مترجم انگلیسی انشای هرکرن در دیباچه خود تلاش‌های ویلکینس را ستوده و گفته است حالا در هندوستان امکانات چاپ کتب فارسی مهیاست.^۲ موفقیت‌های ویلکینس به شرکت هند شرقی وانمود که او نیز برای تأمین نیازهای اداری خود چاپخانه‌ای دولتی دایر کند. این خود ویلکینس بود که به شرکت پیشنهاد تأسیس چاپخانه کرد و وارن هستینگس که خودش از تأسیس چاپخانه‌ای حمایت می‌کرد، اختیارات خود را به کار گرفت و نزد مقامات شرکت پیشنهاد ویلکینس را تأیید نمود.^۳ شرکت پیشنهاد وی را پذیرفت و در کلکته با حمایت دولت چاپخانه‌ای کاملاً دولتی

→

حکم‌نامه مورخ ۳ نوامبر ۱۷۸۰م (همان مأخذ، ص ۱۴۴)؛ حکم‌نامه مورخ ۲ مارس ۱۷۸۱م (همان مأخذ، ص ۱۴۷)؛ ۶ آوریل ۱۷۸۱م (همان مأخذ، ص ۱۴۸)؛ حکم‌نامه مورخ ۵ ژوئیه ۱۷۸۱م (همان مأخذ، ص ۱۴۹).

۱. همان مأخذ، صفحات مختلف.

۲. مقدمه انشای هرکرن / *Forms of Herkern*، کلکته، ۱۷۸۱م، ص ۷-۶.

3. *Home Miscellaneous Series*, p. 463.

شروع به کار کرد^۱. ویلکینس قبل از این که به علت وضع نامساعد سلامت خود در ۱۷۸۶م / [۱۲۰۰هـ] هندوستان را به مقصد انگلستان ترک کند^۲ به کارگران محلی هنر ریختن حروف نستعلیق را یاد داده بود. یکی از معاصران او فرانسویس گلادوین نیز در ترویج چاپ فارسی تلاش‌های ثمربخش کرد. علاوه بر تألیف‌های متعدد او که در زمینه دستور زبان و فرهنگ است^۳، او در جنگ ادبی *The Asiatic Miscellany* یا *جواهر التالیف فی نوادر التصانیف*^۴ که در سال‌های ۱۷۸۵-۸۸م / [۱۲۰۲-۱۱۹۹هـ] منتشر می‌شد، گزیده متون فارسی، عربی و اردو را با ترجمه انگلیسی ارائه نمود و افتخار آغاز چاپ کتب و مطالب ادبی را

1. R. B. Ramsthan, "Extract from the Record of Government of India", *Bengal Past and Present*, Calcutta, 1925, p. 214-215.

۲. ویلکینس در انگلستان نیز برای بهسازی تایپ فارسی تلاش می‌کرد. او اذعان می‌داشت که تایپ نسخ در مقابل نستعلیق، برای چاپ آسان‌تر و بهتر است، لذا او نسخ را ترجیح می‌داد، نک: Nazir Ahmad، ص ۶۳.

۳. برای تألیفات او درباره فارسی در ق ۱۸م نک: Graham Shaw, *SABREB*، ص ۳۶۹ و صفحات مربوطه.

۴. عنوان انگلیسی آن هر از گاهی تغییر می‌کرد (نک: مأخذ پیشین، ص ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۹۱)، اما عنوان عربی ثابت ماند. دو شماره اول آن در سپتامبر ۱۷۸۵م و ژوئیه ۱۷۸۶م منتشر شد که شامل گزیده‌هایی (متن و ترجمه) از بزرگان ادب بود همچون: سعدی، جامی، حافظ، خسرو، انوری، مولوی، نظامی، نعمت خان عالی، و گزیده متون تاریخی مثل [تذکره] خزانه عامره (آزاد بلگرامی)، عالمگیرنامه (محمد کاظم)، ترک جهانگیری، رقعات عالمگیری. بعضی گزیده‌ها بدون نام مؤلف است. در بخش عربی [مقامات] حریری، و در بخش اردو غزلیات سودا به چاپ رسید. در شماره سوم (ژوئیه ۱۷۸۹م) گزیده‌هایی از انشای ابوالفضل، ده مجلس، بوستان سعدی، تاریخ طبری، اخلاق ناصری، فرامین اکبر و اورنگ زیب و رقعات عالمگیری دیده می‌شود و در بخش اردو غزل‌های ولی دکنی آمده است.

از آن خود کرد.^۱

تحت تأثیر تلاش‌های ویلکینس و گلادوین چاپ فارسی در کلکته ادامه یافت و نیازهای دولتی و آموزشی تأمین می‌شد.^۲ تا آن‌که در ۱۸۰۰م/

۱. در مجله هفتگی *Calcutta Gazette* که از ۴ مارس ۱۷۸۴ تا ۱۸۱۵ م منتشر می‌شد (نک: Graham Shaw, *SABREB*, ص ۱۵۸) گزیده غزلیات ابوطالب کلیم، حکایات بهارستان جامی و آگهی‌های فارسی زبان منتشر می‌شد. نک: عتیق صدیقی، هندوستانی اخبارنویسی کمپنی کی عهد مین، علی‌گره، ۱۹۵۷ م، ص ۷۵.

۲. جوزف کوپر (Joseph Cooper) و دانیل ستورت (Daniel Stuart)، نیز مشترکاً چاپخانه شخصی / خصوصی داشتند که در آن [از فلز] حروف نستعلیق نیز ریخته‌گری می‌شد. *A Dictionary: English and Hindoostani* تألیف John Gilchrist (۱۸۴۱-۱۷۵۹ م) در ۱۷۸۶ م / [۱۲۰۰ ه] در آن چاپخانه چاپ شد و برای آن حروف نستعلیق ریخته همان‌جا به کار گرفتند. این فرهنگ در سال‌های ۱۷۸۹ و ۱۸۸۷ م نیز تجدید چاپ شد و بخش دوم آن در ۱۷۹۰ م به طبع رسید (نک: Graham Shaw, *SABREB*, ص ۱۷۱). در همان زمان، در چاپخانه Aaron Upjohn متن پندنامه سعدی با ترجمه انگلیسی در ۱۷۸۸ م به چاپ رسید (همان‌جا، ص ۱۹۲) و دیوان حافظ به اهتمام و مقدمه میرزا ابوطالب اصفهانی (۱۸۰۶-۱۷۵۲ م / ۱۲۲۱-۱۱۶۵ ه) در ۱۷۹۱ م چاپ شد (همان‌جا، ۲۲۷). ابوطالب اصفهانی در مقدمه خود اطلاعاتی در باره آغاز چاپ فارسی در کلکته به دست داده است که نخستین نوشته در موضوع خود است و در باره روش چاپ آن زمان بحث می‌کند. چاپ جداگانه این مقدمه در تحقیق، نشریه بخش اردو، دانشگاه سند، جام شورو، ش ۹-۸ (۱۹۹۴-۹۵ م) ص ۵۲۲-۵۱۹ آمده است. در چاپخانه‌های کلکته کتاب‌هایی که به فارسی یا به تایپ نستعلیق چاپ شده در *SABREB* ص ۱۶۳، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۲۷، ۲۴۳، ۲۴۴، ثبت شده است. پس از کتاب هالهید که در باره دستور زبان بنگالی بوده و به حروف نستعلیق چاپ گردیده، تا پایان ق ۱۸ م / [آغاز ۱۳ ه] کتاب‌های دیگر در چاپخانه‌های مختلف به چاپ می‌رسیده که بخشی از عبارات آن‌ها به نستعلیق یا نسخ بوده و در *SABREB* در صفحات مختلف یاد شده است. علاوه بر انشای هرکرن و دیوان حافظ متون فارسی (و عربی و اردو) ای که در این مدّت به تنهایی یا

[۱۵-۱۲۱۴هـ] دانشکده فورت ویلیام در کلکته تأسیس شد و برای تأمین نیازهای آموزشی دانشکده در ۱۸۰۲م / [۱۷-۱۲۱۶هـ] چاپخانه مستقل دانشکده به نام «هندوستانی پریس» پایه‌گذاری شد^۱. این چاپخانه در چاپ زبان‌های بومی به‌ویژه چاپ ادبیات اردو و تأمین نیازهای آموزشی دانشکده نقشی به‌سزا داشت. با وجود این، میتو لانسدن (Methew Lansden) استاد عربی و فارسی دانشکده فورت ویلیام در ۲۰ سپتامبر ۱۸۰۵م / [۱۲۲۰هـ] به شورای دانشکده پیشنهاد کرد که برای ترویج چاپ فارسی چاپخانه‌ای مستقل و مخصوص دایر شود. او در نظر داشت که یکی از بهترین خوش‌نویسان کلکته،

→

با ترجمه انگلیسی به چاپ رسیدند نیز در *SABREB* آمده است، همچون لیلی و مجنون هاتفی، چاپ ۱۷۷۸م (ص ۱۹۰)؛ طوطی‌نامه نخسبی، چاپ ۱۷۹۲م (ص ۲۴۳)؛ الفرائد السراجیه سراج‌الدین محمد، چاپ ۱۷۹۲م (ص ۲۴۴)؛ الالفاظ الادویه نورالدین محمد عبدالله شیرازی، چاپ ۱۷۹۳م (ص ۲۴۵)، رساله در احکام عشر و خراج و بیان مالکان زمین امیر حیدر بلگرامی، چاپ ۱۷۹۶م (ص ۲۸۰)، کلیات سعدی، ج ۱، چاپ ۱۷۹۱م و ج ۲، چاپ ۱۷۹۵م (ص ۲۲۹، ۲۷۲).

۱. درباره تاریخ تأسیس چاپخانه دانشکده فورت ویلیام و حق مالکیت آن اختلاف نظر وجود دارد. دولت در ۱۸۰۱م / [۱۶-۱۲۱۵هـ] درباره تأسیس چاپخانه‌ای دولتی تصمیم گرفت و طرح‌ریزی کرد. نک: *Home Miscellaneous Series*، ش (۹) ۵۳۷، ص ۳۶۳-۳۶۱، و نیز چاپ لندن، ۱۹۲۷م، ص ۳۰۵؛ Nazir Ahmad، ص ۱۶۸-۱۶۴؛ عتیق صدیقی، مأخذ پیشین، ص ۴۳-۴۴؛ همو، گلکرسٹ اور اس کا عہد، دهلی، ۱۹۷۹م، ص ۱۳۰-۱۲۹؛ عبیده بیگم، فورت ولیم کالج کی ادبی خدمات، لکھنو، ۱۹۸۳م؛ گر بچن چندن، جام جهان‌نما: اردو صحافت کی ابتداء، دهلی، ۱۹۹۲م، ص ۲۴-۱۵؛ سسیر کمار داس در این موضوع اطلاعات مستند گردآوری کرده است، نک: مأخذ پیشین، ص ۸۶-۸۲، و برای فهرست کتاب‌های چاپ شده، ص ۱۶۴-۱۵۴، در میان سال‌های ۱۸۲۰-۱۸۰۲م [۱۲۳۵-۱۲۱۷هـ] جمعاً ۱۸ عنوان کتاب فارسی به چاپ رسید.

یعنی شیخ کلب علی را مسئول چاپخانه کند و کتاب‌هایی را چاپ کند که بین عامه مردم محبوبیت داشته باشند^۱. اما ظاهراً پیشنهاد او پذیرفته نشد. هم‌زمان، میسیونرها چاپخانه‌هایی مستقل دایر کردند و چاپ را ترویج دادند. ولی آن‌ها بیشتر به زبان‌های بومی توجه داشتند، زیرا فارسی مرام آنان را پیش نمی‌برد^۲. ادامه فعالیت‌های چاپ فارسی و زبان‌های بومی - صرف نظر از استثناءها - منحصر به توجه و مصالح بخش خصوصی و سازمان‌ها و میسیونری‌های خارجی بود. در دهه دوم ق ۱۹م / [۳۵-۱۲۲۵ه] افراد بومی در تشکیل چاپخانه‌های خصوصی و امور چاپ تمایل نشان دادند. تا آن موقع صنعت چاپ از محدوده شهرها خارج شده به شهرستان‌ها رسیده بود. با وجود محدودیت‌های دولتی و کمبود کاغذ، صنعت چاپ به حدی پیشرفت کرد که در سال‌های ۳۲-۱۸۰۱م / [۱۲۴۸-۱۲۱۵ه] مجموع شمارگان / تیراژ کتاب‌های چاپی حدود ۲۱۲,۰۰۰ نسخه بود^۳.

از میان اولین چاپخانه‌های خصوصی که به دست افراد بومی دایر گردید، «مطبع شکر الله» است. از نام آن پیدا است که صاحب آن مسلمان بوده است^۴.

1. *Proceedings of the College of Fort William*, dated 27 Sep. 1805, vol. 559, p. 45-46.

۲. برای بررسی فعالیت‌های ابتدایی آنان نک:

D. C. McMurtre, *Early Mission Printing Presses*, Rājkot, 1933; *The Beginning of Printing in Indiā*, Rājkot, 1933; B. S. Kasavan, vol. 1, p. 179-229, Nikhil Sarkar, "Printing and the Spirit of Calcutta", *Calcutta: The Living City*, vol. I, Calcutta, 1990, p. 128-136.

3. Susan S. Wadley, p. 22.

۴. یکی از کتاب‌هایی که در ۱۸۱۲م / [۱۲۲۷ه] در این چاپخانه به چاپ رسیده، در

در ابتدا، از میان چاپخانه‌های خصوصی افراد بومی «مطبع سلطانی» لکهنو برای ترویج فارسی فعالیت کرد. غازی‌الدین حیدر، پادشاه آود (حک: ۲۷-۱۸۱۴م / [۴۳-۱۲۲۹هـ])، آن را در ۱۸۱۸م / [۱۲۳۳هـ] تأسیس کرد^۱. او در تأسیس آن از همکاری [فتی] ارسل نامی اروپایی - شاگرد جان گل کریست - نیز برخوردار بود^۲. بنا بر روایت دیگر چاپخانه مذکور پیش‌تر در کلکته کار می‌کرد. صاحب آن شیخ احمد عرب^۳ (د: ۱۸۴۰م / [۱۲۵۶هـ]) بود که دستگاه چاپ را به

→

- کتابخانه آزاد، دانشگاه اسلامی، علی‌گره، محفوظ است. نک: نادر علی خان، هندوستانی پریس: ۱۵۵۶ تا ۱۹۰۰، لکهنو، ۱۹۰۰م، ص ۲۶۸؛ در همان سال در بمبئی «مطبع فریدونجی (فردونجی) مرزبان» تأسیس گردید که در ۱۸۱۵م / [۱۲۳۰هـ] ترجمه گجراتی دبستان مذاهب را چاپ کرد، همان‌جا، ص ۸۵.
۱. مسعود حسن رضوی ادیب، «شاهان اوده کا علمی ذوق»، نذر ذاکر، گردآورده مجلس نذر ذاکر، دهلی، بدون تاریخ، ص ۱۷۹.
۲. عبدالحلیم شرر، گذشته لکهنو، لکهنو، ۱۹۷۴م، ص ۱۴۲؛ حکیم محمود علی خان ماهر، تحقیقات ماهر، ص ۱۳۲ به استناد نادر علی خان، ص ۳۰۶-۳۰۵.
۳. شیخ احمد عرب فرزند محمد بن علی بن ابراهیم یمنی شروانی، در یمن فارغ التحصیل شد و به هندوستان آمد و در کلکته اقامت گرفت. در مدرسه عالی و کالج فورت ویلیام به سمت استاد زبان عربی گماشته شد. سپس به لکهنو منتقل شد و به ملازمت غازی‌الدین حیدر درآمد. پس از درگذشت غازی‌الدین حیدر، لکهنو را ترک گفت و بیشتر در مسافرت گذراند تا در ۱۹ ربیع الاول ۱۲۵۶هـ / ۱۸۴۰م در پونا وفات یافت. از آثار او الف لیلی در ۲ ج، المناقب الحیدریه و تاج الاقبال فی تاریخ بهوپال در دست است. نک: عبدالحی، نزهة الخواطر، ج ۸، کراچی، ۱۹۷۸م، ص ۳۴، رحمان علی، تذکره علمای هند، ترجمه اردوی محمد ایوب قادری، کراچی، ۱۹۶۱م، ص ۱۰۵؛ مالک رام، تلامذه غالب، دهلی، ۱۹۸۴م، ص ۲۱۰-۲۰۹.

فرمایش شاه آوَد از کلکته به لکهنو انتقال داد^۱. این چاپخانه با تایپ کار می‌کرد^۲. افراد نام‌آوری همچون شیخ احمد عرب، مولوی اوحدالدین بلگرامی^۳ و قاضی محمد صادق «اختر»^۴ در برابر دریافت حقوق گزاف به تألیف و تدوین کتب مأمور بودند. مطبع سلطانی در ۱۲۳۵هـ / ۱۸۱۹م اولین

۱. فقط هزینه انتقال و بارکشی آن به مبلغ هفتاد هزار روپیه رسید. نک: محمد ظهیرالدین بلگرامی، «تقریظ مصباح الهدایة»، تحقیق، نشریه شعبه اردو، دانشگاه سند، جام شورو، ش ۸ (۱۹۹۳م)، ص ۱۶۰-۱۵۹.

۲. در این چاپخانه تایپ بسیار عالی ریز و درشت به حروف فارسی و عربی وجود داشت. نک: مسعود حسن رضوی ادیب، ص ۱۷۹.

۳. اوحدالدین بلگرامی فرزند قاضی علی احمد (۱۸۲۴-۱۷۵۶م). در ۱۱۹۳هـ / ۱۷۷۹م در بلگرام زاده شد. در کلکته فارغ التحصیل شد و به یمن رفته شاگرد شیخ احمد عرب شد. سپس به موطن بازگشت و در لکهنو به صنعت چاپ پرداخت. شخصی دانشمند و ادیب بود. از تألیفات او نفاثات اللغات و روضة الازهار و مفتاح اللسان و تذکره شعرای عرب و غیره یادگارند. نک: منشی محمد محمود عثمانی بلگرامی، تنقیح الکلام فی تاریخ خطه پاک بلگرام، علی‌گره، ۱۹۶۰م، ص ۲۱۱؛ عبدالحی، مأخذ پیشین، ص ۸۹-۸۸؛ رحمان علی، مأخذ پیشین، ص ۱۲۷-۱۲۶.

۴. قاضی محمد صادق «اختر» فرزند قاضی محمد لعل. در ۱۲۰۱هـ / ۱۷۸۵م در هوگلی متولد شد و در ۱۲۷۵هـ / ۱۸۵۹م وفات یافت. در لکهنو منشی نماینده انگلیسی‌ها بود. بعدها به ملازمت غازی الدین حیدر درآمد و به «ملک الشعرا» مخاطب شد. پس از وفات غازی الدین حیدر به کانپور رفت و «تحصیل‌دار» آن‌جا شد. از تألیفات او مثنوی سراپا سوز، صبح صادق، حدیقه الارشاد، بهار اقبال، مفید المستفید، هفت اختر، لوامع النور، گلدسته محبت، بهار بی‌خزان، محامد حیدری، نقود الحکم، مخزن الجواهر و تذکره آفتاب عالمتاب شهرت دارند. نک: مظفر حسین صبا، روز روشن، تهران، ۱۳۴۳هـ، ص ۴۰-۴۱، صدیق حسن خان، شمع انجمن، بهوپال، ۱۲۹۳هـ، ص ۶۳؛ قاضی عبدالودود، تعلیقات تذکره ابن طوفان، تألیف ابن امین الله طوفان، پتنا، ۱۹۵۴م، ص ۶۵-۶۰؛ [عارف نوشاهی، «اختر»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۶۳/۷].

کتاب عربی را با نام مناقب حیدریه^۱ تألیف شیخ احمد عرب به چاپ رسانید. از میان کتاب‌های فارسی‌ای که در آن چاپخانه به طبع رسیده می‌توان از محامد حیدریه^۲، زاد المعاد^۳، هفت قلزم^۴ و تاج اللغات^۵ نام برد. چون تمام کتاب‌های مذکور به حروف تاییبی چاپ شده بود، مورد پسند مردم عامه واقع نشد و این

-
۱. در مدح غازی‌الدین حیدر، در ۲۰۰ ص است. نک: یوسف الیان سرکیس، معجم المطبوعات العربیة و المعرّبة، قم، ۱۴۱۰هـ، ستون ۱۱۲۱.
 ۲. از تألیفات قاضی محمد صادق اختر [که در ۱۸۲۳م / ۱۲۳۸هـ در مطبع مرتضوی، لکهنو، در ۳۸۸+۳۵ ص به چاپ رسید. نک: ای. جی. آربری، *Catalogue of the Library of the India office: Persian Books*، لندن، ۱۹۳۷م، ص ۲۷۷، نیز: نک: عارف نوشاهی، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ش ۱۰۳۶۱].
 ۳. از آثار محمد باقر بن محمد تقی مجلسی در مسائل عبادات شیعی است. در سال‌های ۱۸۷۹م و ۱۸۸۵م در لکهنو به چاپ رسید.
 ۴. در مطبع سلطانی در ۲ ج در ۱۸۲۲م / ۱۲۳۷هـ، در ۳۵۴+۲۴۲ ص چاپ شد. آربری، ص ۱۸۱؛ روی جلد نام غازی‌الدین حیدر به عنوان مؤلف چاپ شده است. نجم‌الغنی در تاریخ اوده، لکهنو، ۱۹۱۹م، ج ۴، ص ۲۰۹-۲۰۷ نظری غیر از این دارد. البته دیباجه آن را مقبول محمد نوشت و تنظیم و ترتیب آن نیز به عهده او بوده است. این فرهنگ بعدها در مطبع نول‌کشور، لکهنو، ۱۸۷۹م در ۷ ج منتشر شد. نک: آربری، ص ۱۸۱؛ چاپی دیگر در ۱۸۹۱م در ۱۱۷۰ ص انجام گرفت. نک: شهریار نقوی، فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران، ۱۳۴۱هـ ش، ص ۲۲۰-۲۱۷؛ [نیز: نک: عارف نوشاهی، مأخذ پیشین، ش ۳۶۰۳].
 ۵. فرهنگ عربی به فارسی است که در ۷ ج و در ۲۹۱۷ ص چاپ شد. نک: مسعود حسن رضوی ادیب، لکهنویات ادیب، اسلام‌آباد، ۱۹۸۸م، ص ۱۱-۹؛ همان مؤلف، شاهان اوده کا علمی ذوق، ص ۱۷۹؛ به گفته اشپرنگر به دستور غازی‌الدین حیدر در آن اضافات متعدد شد و شمار صفحاتش پنج‌هزار بود، نک: اشپرنگر، *Report of the Researches into the Mahommadan Libraries of Oudh*، کلکته، ۱۸۹۶م، ص ۲.

چاپخانه - در واقع سلطنتی - نتوانست فعال باشد^۱.

تا آن موقع برای چاپ تایپی از کلیدهای فلزی استفاده می‌شد. اما ریختگی حروف نستعلیق یا نسخ به گونه‌ای که در حروف چینی، حرف‌ها با هم متصل باشند، کاری آسان نبود. فاصله‌ای که بین بندهای حروف باقی می‌ماند، به زیبایی صوری لفظ لطمه می‌زد و مردمی که به خوش‌نویسی و خطاطی مألوف و مأنوس بودند، چشمشان به حروف تایپی [فاصله‌دار] عادت نکرد. در تایپ نستعلیق، اتصال حروف عملی دشوار و هیچ‌وقت به‌دور از عیب نبود. در نتیجه، افرادی که به کتابت نستعلیق عادت داشتند، تایپ نستعلیق را نمی‌پسندیدند. آنان در برابر خط نسخ هم عکس‌العمل مشابه‌ای داشتند. تا چاپخانه‌های سنگی دایر شود، به اجبار و قهراً از چاپ تایپی استفاده می‌شد. در عین حال تلاش‌هایی برای برطرف کردن نواقص و عیب‌های تایپی ادامه یافت. از آن جایی که تلاش‌های مذکور جنبه انفرادی داشت، هر چاپخانه نمونه‌های تایپ خودش را داشت که خواه ناخواه، تنوع را نیز به وجود آورد. علاوه بر نستعلیق، تایپ نسخ نیز به کار برده می‌شد. گاهی تلاش شد که هر دو تایپ را ادغام کنند. در نتیجه خطی جدید ممزوج از نستعلیق و نسخ به وجود آمد. نمونه‌های این خط در مطبوعات و کتاب‌های چاپ نیمه اول ق ۱۹م / [۱۳هـ] دیده می‌شود. اگر چه در چاپ تایپی انحصار طلبی نستعلیق همیشه مورد قبول نبوده، ولی به‌طور عموم در چاپ نستعلیق رایج‌تر بود و فقط در چند سال اخیر است که

۱. حکیم محمود علی خان ماهر، تحقیقات ماهر، ص ۱۳۲ به استناد نادر علی خان، مأخذ پیشین، ص ۳۰۶؛ اما به استناد گواهی معاصر خشم غازی الدین حیدر به شیخ احمد عرب موجب تعطیل چاپخانه شد. محمد ظهیرالدین بلگرامی، مأخذ پیشین، ص ۱۶۰؛ محمد ظهیرالدین بلگرامی این چاپخانه را دوباره به راه انداخت، همان‌جا، ص ۱۶۱-۱۶۰.

تجربیات موفقیت آمیز حروف چینی کامپیوتری نقایص تایپ دستی نستعلیق را از بین برداشته است.^۱ امروزه در سراسر شبه قاره برای چاپ اردو خط نستعلیق رایج و مرغوب و پسند عامه است.

◀ III. آغاز چاپ سنگی و رونق چاپ آثار فارسی

آغاز چاپ فارسی در شبه قاره، عصر رواج چاپ تایپ با کلیدهای متحرک بود. چاپ به وسیله قالب‌های چوبی - که از دو قرن پیش تر در چین رایج بود - در آغاز ق ۱۸ م / [۱۳هـ] از راه اروپا به شبه قاره رسید.^۲ در آغاز صنعت چاپ، خود چاپ هیچ کششی برای مسلمانان نداشت. اگر چه در مهرسازی و نقاشی روی پارچه استفاده از قالب‌های چوبی معمول روزمره مسلمانان بود، اما آن‌ها برای چاپ روی کاغذ به این ابزار دستی خود متوجه نشدند. احساس مقاومت در مقابل استعمار بریتانیا در شبه قاره از یک سو و بهره‌برداری از فواید اختراعات مفید غرب از سوی دیگر، مسلمانان را متوجه چاپ کرد. وانگهی مسلمانان می‌دیدند که دومین ملت بزرگ شبه قاره (هندوان) - که مسلمانان در

۱. روزنامه پُر تیراژ اردویی جنگ، انتشار خود را در تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۸۱ م در لاهور با حروف چینی نستعلیق کامپیوتری [به اصطلاح «نستعلیق نوری»] آغاز کرد. [تا کنون در اوائل ۱۳۸۰هـ ش / ۲۰۰۱ م نرم‌افزارهای متعدد کامپیوتری اردو به بازار آمده و تجربه شده است؛ اما هیچ‌کدامشان خالی از اشکال و نواقص نیست. «مقتدره قومی زبان» (فرهنگستان زبان اردو در پاکستان) تلاش می‌کند که با همکاری بخش خصوصی، نرم‌افزاری جامع و بدون عیب را در اختیار استفاده‌کنندگان گذارد.]

2. L. Cardon and H. Hostan, "Earliest Jesuits Printing in India", *Journal of the Asiatic Society of Bengal*, Calcutta, March, 1913, p. 149.